



کاپیتان پرسیسولیس تمام پیش پیمانی هارا پیه هم روخت

۴ شکفت انگیز مهره موفقیت یحیی

صفحه ۷



شرط علی کریمی برای انصراف از انتخابات فدراسیون فوتبال اگر دادگان گزینه شایسته‌ای معرفی می‌کرد حتماً انصراف می‌دادم

صفحه ۲

بازیکنی هست که عاشق پرسپولیس نباشد؟

شریفی: کریمی، باقری و جرارد الگوهای من هستند

صفحه ۷

قایدی حق دارد پول بیشتری بخواهد

فنونی زاده: باتحصن هواداران مقابل مجلس مخالفم

صفحه ۶

موفقیت پرسپولیس در دوپرونده فیفایی

مارکو وولاتکو به جایی نرسیدند

صفحه ۷

افزایش قرارداد و بند جدایی

شروط غیر قابل بازگشت قایدی برای استقلال

داستان استقلال و مهدی قایدی پیچیده شد

۹ روز قهر؛ راه‌حلی وجود دارد؟

استقلال، قاعدتاً می‌بایست برآیند نظرات هواداری همسو با باشگاه و در موضعی نقادانه نسبت به مهدی قایدی باشد چرا که این بازیکن است که به شکلی خودخواسته از حضور در تمرینات امتناع می‌کند اما به شکل شکفت انگیزی، بدنه هواداران از دلخوری قایدی حمایت می‌کنند و معتقدند او باید دستمزد بیشتری دریافت کند.

مهدی قایدی از آغاز لیگ نوزدهم که تولدی دوباره داشت تا امروز، با گل‌ها و پاس گل‌هایش بیشتر از هر مهره دیگری در خط حمله استقلال اثرگذار بوده. در ۲۲ سالگی محبوبیت فوق‌العاده‌ای کسب کرده و لاف‌ل در سه دربی گذشته که همگی در وقت قانونی با نتیجه ۲-۰ به پایان رسیده، مؤثرترین بازیکن استقلال بوده. در شرایط طبیعی، مطلوب‌ترین گزینه آن است که ظرفین روی راه‌حلی بیابینی توافق کنند تا استقلال بیش از این دستخوش بحران و حاشیه نشود. این انتظار دیگر، مدیران استقلال در سال‌های گذشته اثبات کرده‌اند که تخصص عجیبی در از دست دادن استعدادهای ناب‌شان دارند و همین نقطه ضعف ریشه‌دار است که هواداران را نگران‌تر می‌کند. فارغ از اینکه ماجرای قهر مهدی قایدی به کجا می‌انجامد، در این گزاره شکی نیست که استقلال تحت هیچ شرایطی نباید بهترین استعداد این روزهایش را به آسانی از دست بدهد.

دوره قبلی قرارداد مهدی قایدی به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده بود. «به نظری رسد احمد مددی دروغ نمی‌گوید! گفته می‌شود قرارداد ستاره شماره ۱۰ استقلال از ۸۵۰ میلیون تومان به محدوده ۱/۵ تا ۲ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده اما در تیمی که بعضی بازیکنان به مراتب کم‌الرتر، قراردادهای ۶ میلیاردی بسته‌اند، رقم ۲ میلیارد برای قایدی دل‌انگیز و جذاب نیست، این یک وضعیت پیچیده است که برای مقابله با آن، ظاهراً راه‌حل کم‌هزینه‌ای در دسترس نیست. از یک‌سو مهدی قایدی مهمترین استعداد حال حاضر استقلال است و نمی‌شود رفتاری مشابه با سجاد آقایی یا او داشت. از سوی دیگر، مؤثرترین عنصر هجومی تیم در یک سال و نیم گذشته، حاضر نیست بدون اصلاح قرارداد و افزایش دستمزد، به تمرینات بازگردد.

ظاهراً نهادهای نظارتی، مدیران باشگاه را از تکرار اتفاقی که در آغاز فصل تحت عنوان «اصلاح قرارداد» افتاده، منع کرده‌اند و دومر حله ارتقا پیدا می‌کند. در فوتبال ایران نامزد های قایدی هم بی‌نتیجه به پایان رسیده. ماجرا وقتی پیچیده‌تر می‌شود که بدایتی مهدی ناراضی تا سال ۱۴۰۲ تا استقلال قرارداد دارد اما گفته می‌شود بندی در قرارداد او وجود دارد که به او اجازه می‌دهد در همین نیم فصل، تیم را ترک کند. موضوع قابل تأمل اینکه در ماجرای قهر مهدی قایدی از

قهر مهدی قایدی از استقلال، ۹ روزه شد. در فوتبالی که همه مناسباتش شفاف باشد، قهر و دلخوری بازیکنان با بهانه‌های مضحکی مثل سرماخوردگی رفع و رجوع نمی‌شود اما در فوتبال ایران اصل بر «الایوشانی» است. به محض وقوع هر بحران، ابتدا شایعات تکذیب می‌شود، بعد از آن توجیه‌های کودکانه مثل سرماخوردگی مطرح می‌شود و وقتی بعد از چند روز بهانه‌هایی‌تر می‌شوند، تازه نوبت به تأیید زمزمه‌هایی است که از اندام مطرح بوده: «مهدی قایدی از رقم تا چیز قراردادش در مقایسه با سایر بازیکنان تیم دلخور است.»

آنچه درباره قایدی و استقلال به وجود آمده، متعلق به «نیمه تاریک فوتبال» است. از آن مسائلی که معمولاً در رسانه‌ها مطرح نمی‌شود اما زیر پوست تیم‌ها و در گ‌های رختکن در جریان است. بازیکنی که مؤثر و محبوب است و تیم روی کاتل او می‌چرخد، خواهان دستمزد بیشتری است. مدیرعامل استقلال با اظهار تأسف از افزایش نامتعارف رقم قرارداد برخی از بازیکنان، معتقد است: «در

یادداشت
علی مغانی



شرکت‌های صنعتی ترغیب نمی‌شوند به فوتبال؟ چون برای درآمدزایی استراتژی وجود ندارد. برای رسیدن به یک میشت باید آسیب‌شناسی کنیم. پروژه تجاری‌سازی در بحث باشگاه‌های منق‌بی بوده است. استراتژی، بازار یابی، مدون از برنامه‌های مختلف و خود پرند سازی مجدد فدراسیون فوتبال از جمله برنامه ما است. باید به جزئیات پاسخ دهیم. از تغییر لوگو تا تلویزیون های اینترنتی همه می‌توانند برای فوتبال درآمدزایی کنند. راه اندازی لیگ فوتبال مجازی هم در برنامه

من وجود دارد و بیش و پیشا بوجه نیز صورت گرفته است.» تجاری سازی لیگ و برند سازی مجدد فدراسیون نیاز به خانه تکنیکی اساسی در فوتبال دارد. برند لیگ برتر و فوتبال ایران تنها با بالا رفتن سطح فنی، توسعه ورزشگاه‌ها، اعطای امکانات بیشتر به تماشاگران و بخش تلویزیونی استاندارد مردم است و ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم. فوتبال برای امروز ما بیشتر هابی دارد که لازم نیست حتماً آنها را کشف کنیم. اروپا از این امکانات استفاده می‌کند و ما نیز باید از آن بهره ببریم.»

تکیه به پول هواداران مشابه همان فرمولی است که کارگزاری برگزاریده‌اند، ولی تجربه نشان داده که ظرفیت محدودی دارد و چندان نمی‌شود به آن تکیه کرد. اساس موفقیت چنین روشی در مرتبه اول رضایت تماشاگر است. فنی لیگ است، ولی لیگ برتر در حال حاضر چنین شرایطی ندارد. به علاوه با اوضاع اقتصادی فعلی، امید بستن به کمک هواداران، که اکثر آن‌چوان و جوان هستند رویار دازانه به نظر می‌رسد.

شهاب‌الدین عزیزی خادم هم درباره درآمدزایی به موارد زیر اشاره کرد: «فیفا فوتبال را یک تجارت می‌داند. چرا

تماشای میزگرد نامزد های ریاست فدراسیون، کسانی را که منتظر شنیدن راه‌های بیرون رفتن فوتبال ایران از بن‌بست فعلی بودند، چندان امیدوار نکرد. بیشتر حرف‌های سه نامزد حاضر در برنامه «فوتبال برتر» گلی گویی و بدون ضمانت‌های اجرایی محکمی بود؛ بیشتر آنها، چرا که ایده‌های تازه‌ای هم مطرح شد ولی مشخص نیست محدودیت‌های حاکم بر فوتبال و روابط در هم تنیده اعضای آن اجازه چنین تغییراتی را بدهد.

گروه اقتصاد و حق پخش تلویزیونی صحبت نامزدها باعث راه‌های بیرون رفتن فوتبال ایران از بن‌بست شروع شد که بزرگ‌ترین معضل این روزهای این ورزش برطر قرارداد فدراسیون و تعداد زیادی از باشگاه‌ها را در آستانه ورشکستگی قرار داده. فوتبال ایران سال‌هاست که از حق پخش تلویزیونی، مهم‌ترین منبع درآمدزایی محروم است و بعید است بدون دستیابی به این حق بتوان تغییر اساسی در اقتصاد فوتبال به وجود آورد. باین حال نامزد ها تمایل زیادی به ورود به این حوزه نشان ندادند. شاید بر این باور بودند که ممکن است حرف‌هایی که علیه منافع تلویزیون می‌زنند بیش از بخش حذف شود.

فقط کیومرث هاشمی اشاره کوتاهی به موضوع حق پخش داشت و گفت: «فوتبال دنیا مسیر توسعه حرفه‌ای خود را طی کرده و ما لازم نیست راه جدیدی را ابداع کنیم. راه درآمدزایی فوتبال مشخص است. بین ۵۰ تا ۶۰ درصد بحث درآمدزایی، بخش تلویزیونی است. مابقی هم بحث فروش کالاها و ورزشی و اسپانسرینگ است. برخی اوقات باید این مشکلات در ستر قانون حل شود. مثال آن قانون ۰۳-۷۰۰ (۷۰۰ درصد درآمد حق پخش و تبلیغات فوتبال به صدا و سیما

کلی‌گویی‌های نامزدهای ریاست فدراسیون جای امیدواری زیادی باقی نگذاشت

فوتبال ایران از دایره بسته خارج می‌شود؟

گزارش
ارمن ساروخانیان



تجمع جمعی از هواداران استقلال مقابل مجلس، اعتراض آنها به نقش وزارت ورزش و مدیران باشگاه و کشمکش بر سر درخواست اخراج فکری از چند زاویه قابل بررسی است. اگرچه بحث درباره جریان‌های هواداری همیشه با سو،تفاهم مواجه می‌شود اما چاره‌ای جز گفت‌وگوی بیشتر در این باره نیست.

آنچه درباره چنین تجمعی باید بیش از شعارها و درخواست‌ها مورد توجه باشد، چگونگی سپردن نقش مؤثر به هواداران است. در ساختار فدراسیون فوتبال ایران چنین نقشی برای هواداران تعریف نشده و کانون‌های هواداری نیز اغلب متشکل از لیدرها است.

کانون‌های هواداری به دست مدیران یا حتی مربیانی که با بهره‌برداری از جهت‌گیری هواداران منافعی برای خود می‌سازند، تشکیل می‌شوند و حتی بازیکنان صاحب جایگاه در باشگاه روی جهت‌گیری این کاسون و لیدرها تأثیر می‌گذارند.

این جریان‌ی است که در فوتبال ایران قدمت پیدا کرده و در باشگاه‌های پر هوادار و حتی کم هوادار در شهرستان‌ها به سنت تبدیل شده است. لیدرهای ورزشگاه‌ها اغلب از میان کسانی انتخاب می‌شند که از تهدید، دعوای خیابانی و استادبومی، فحاشی، ترغیب تماشاگران به فحاشی و عملیاتی از این دست ابایی نداشتند. این روش‌ها در سال‌های اخیر از دنیای واقعی به دنیای مجازی هم سرایت کرد. کارکرد همان است و فقط ابزار کار تغییر کرده است.

در فوتبال ایران اما یک طیف مهم از هواداران فوتبال نادیده گرفته می‌شوند، طیفی که باید عنوان شهروند - هوادار به آنها داد. شهروندانی که نه پی نقش آفرینی اطراف باشگاه‌ها هستند، نه دنبال نزدیک شدن به مدیران و مربیان و بازیکنان اما فوتبال را به تیم محبوب‌شان را دوست دارند، لذت را با تیم‌شان تجربه می‌کنند و همیشه لایب در عجب و حیرت‌اند که این چه وضع باشگاهداری است اما فوتبال در حوزه سرگرمی برای

می‌شود هم آن را تأیید می‌کند. انتخاب یک مدیر فنی مناسب در درازمدت می‌تواند ضعف در بخش آموزش را برطرف کند و فوتبال ایران را به سمت یک سبک بازی مشخص ببرد.

کریمی برنده پول یا بازنده؟

غیبت علی کریمی جنبه‌ای ترین بخش این میزگرد بود و ستاره سابق تیم ملی به دلیل غیر زننده بودن این برنامه در آن حاضر نشد. هرچند هواداران کریمی در فضای مجازی از این تصمیم استقبال کردند، ولی اوبه عنوان چهره منتقد این انتخابات فرصت خوبی را برای مطرح کردن حرف‌ها و ایده‌هایش از دست داد. با وجود این اکثر این عملی نشد و فوتبال به نفع کریمی در قامت نامزد ریاست فدراسیون باشد موضع او به عنوان یک ناراضی را تقویت کرد.

مغالطه‌ها کم نبودند

مثال زند از فوتبال حرفه‌ای کشورهای اروپایی، یکی از مغالطه‌های رایج این میزگرد بود. بارها شنیده شد که نامزد ها در پاسخ به سؤالات مختلف از جمله تکراری «فوتبال جهان قبلاً این راه را رفته» استفاده کردند، بدون در نظر گرفتن اینکه در موضوعاتی مثل حق پخش یا فوتبال زنان قوانین بالادستی اجازه چنین تصمیماتی را می‌دهد یا نه.

همان حرف‌هایی بود که از مدیران قبلی فوتبال شنیده بودیم و رسانه‌ها در سال‌های گذشته بارها و بارها آنها را به عنوان راه حل مطرح کرده‌اند. با وجود این اکثر این عملی نشد و فوتبال ایران سال‌هاست که در یک دایره بسته حرکت می‌کند. آیا برنده انتخابات حساس یکشنبه می‌تواند این فوتبال را از این دایره بسته خارج کند و نامزد برنده پای حرقش می‌ماند؟

معادود ایده‌های جدید

در میان صحبت‌هایی که نامزد های ریاست فدراسیون مطرح کردند و تفاوت زیادی با وعده‌های نامزد های ادوار قبلی نداشت، شاید تنها استفاده از «مدیر فنی خارجی» برای فدراسیون ایده جدیدی بود که از سوی عزیزی خادم مطرح شد. فوتبال ایران از نظر فنی در سال‌های اخیر درجا زده و ضعف فنی که پس از جدایی مربیان خارجی در لیگ برتر دیده